



مرکز تحقیقات اسلامی

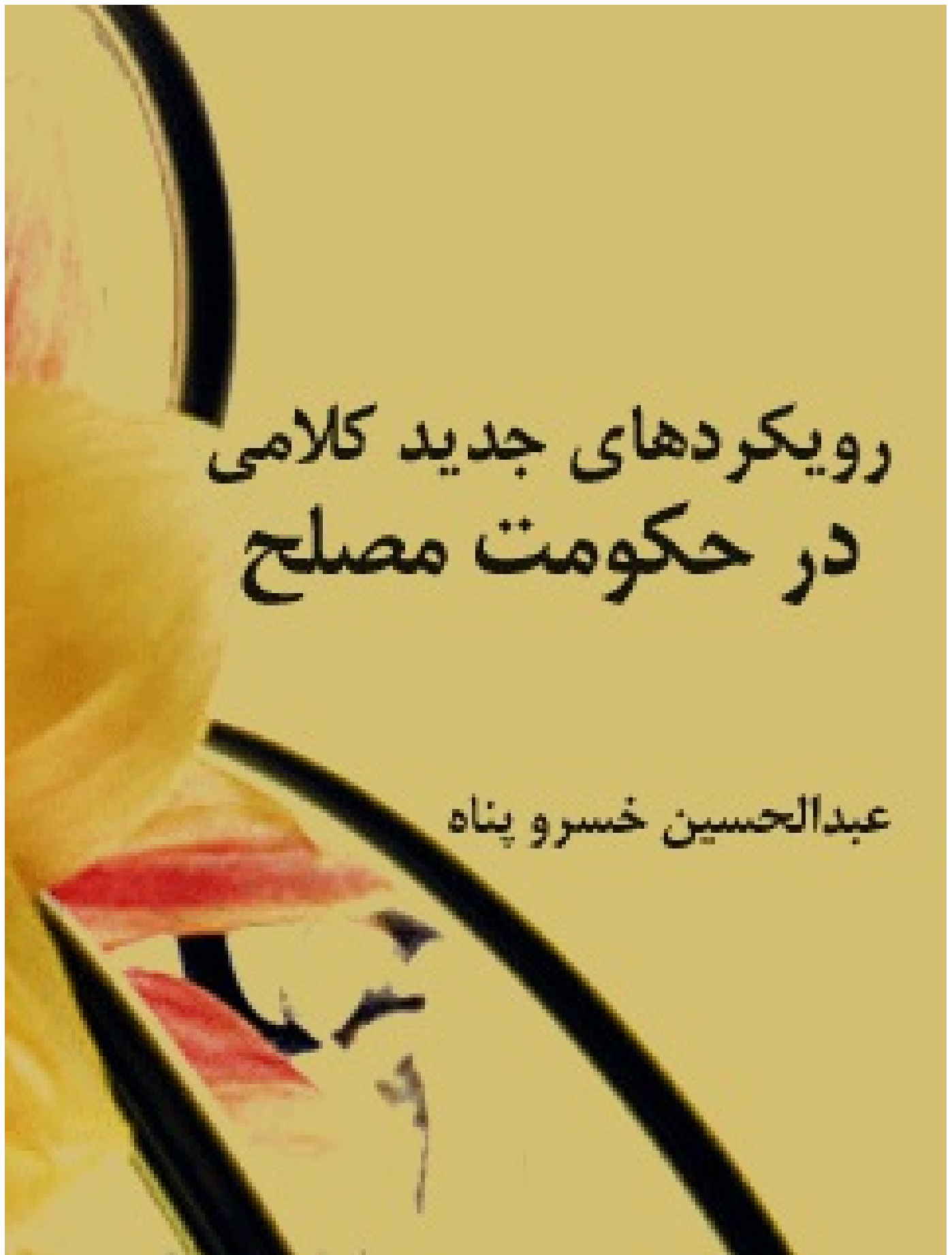
اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



رویکردهای جدید کلامی
در حکومت مصلح

عبدالحسین خسرو پناه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رویکردهای جدید کلامی در حکومت مصلح

نویسنده:

عبدالحسین خسروپناه

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	رویکردهای جدید کلامی در حکومت مصلح
۶	مشخصات کتاب
۶	درآمد سخن
۶	تبیین مسأله
۸	پلورالیسم دینی و حکومت مصلح
۱۰	تساهل و تسامح و حکومت مصلح
۱۱	قرائت‌های مختلف از دین و حکومت مصلح
۱۲	تعارض علم و دین و حکومت مصلح
۱۳	پاورقی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

رویکردهای جدید کلامی در حکومت مصلح

مشخصات کتاب

نویسنده: عبدالحسین خسرو پناه

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

درآمد سخن

دانش کلام و مسایل جدید کلامی یکی از مهم ترین و چالش برانگیزترین دانش های روزگار ما است. از این رو، شایسته است، پژوهشگران با پژوهش کافی به این گونه مسایل پردازند. جهانی که در آن به سر می بریم با پرسش هایی در حوزه های سکولاریزم، پلورالیسم، قرائت پذیری دین، رابطه علم و دین، رابطه عقل و دین، تساهل و تسامح و... روبرو است که همه این موضوع ها به کلام جدید مربوط است. اصطلاح کلام جدید، با رواج فلسفه های نوینی چون امپریسم، پوزیتویسم، روشنگری، مدرنیسم و پست مدرنیسم و در مغرب زمین با عنوان مطرح شد. این عنوان را در فرهنگ اسلامی، نخستین بار شبلی نعمانی (۱۳۳۲ - ۱۲۷۳ ه.ق) و سپس استاد مطهری رواج دادند. اندیشمندان در چیستی کلام جدید اختلاف جدی دارند. برخی از آن ها، کلام جدید و قدیم را مشترک لفظی دانسته و بر تفاوت جوهری میان آن دو تأکید می کنند. [۱] دسته دیگری کلام جدید را تنها به شبهه ها، عده ای به شبهه ها و ابزار جدید، گروهی به شبهه ها، ابزار جدید و گستره موضوعی و بعضی نیز به شبهه ها، مسایل، دلایل و مؤیدات جدید اختصاصی داده اند. [۲] گروه های اخیر به تفاوت جوهری میان کلام جدید و قدیم قایل نبوده و کلام جدید را توسعه یافته کلام قدیم دانسته اند. البته باید میان «کلام محقق» و «کلام حق» یا «کلام در مقام هست» با «کلام در مقام باید» فرق گذاشت. «کلام در مقام تحقق و هست»، بسیار متنوع و گوناگون است. کلام و الهیاتی که از تجربه گرایی، تحقق گرایی، پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم، مدرنیسم، اومانیزم، پست مدرنیسم و... تأثیر پذیرفته است، با کلام اسلامی سنتی کاملاً تفاوت دارد به گونه ای که این دو هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند. ولی اگر به «کلام در مقام تعریف و باید» توجه کنیم، علم کلام عبارت است از: دانشی که به استنباط، تنظیم و تبیین معارف و مفهوم های دینی پرداخته و با روش ها و رهیافت های گوناگون درون و برون دینی به اثبات و توجیه گزاره های اعتقادی می پردازد و به اعتراض ها و شبهه های مخالفان پاسخ می دهد. [۳] این تعریف بر کلام قدیم و جدید منطبق است. کلام؟ جدید با روش ها، شبهه ها، موضوع ها، مسایل و دلایل نوینی روبرو می شود. به همین دلیل، کلام جدید ادامه دهنده و تکامل یافته کلام سنتی است و این دو تمایز جوهری ندارند.

تبیین مسأله

پرسش اصلی در این پژوهش این است که آیا حکومت مصلح جهانی با این رویکردهای جدید کلامی سازگاری دارد؟ توضیح این که جدای از این که این مسایل، دانش مستقلی به نام کلام جدید که تمایز جوهری با کلام سنتی دارد، تشکیل دهد یا این که کلام جدید ادامه کلام قدیم باشد - چنان که گذشت - در حوزه کلام، مسایل و دیدگاه های جدیدی مطرح شده است. برای مثال: عده ای به جدانگاری دین از نیازهای اجتماعی فتوا داده و از سکولاریزم دفاع می کنند، برخی به حقانیت یکسان (طولی و عرضی) تمام ادیان در عصر حاضر حکم می دهند و پلورالیسم دینی را ترویج می کنند و دسته ای نیز به تعارض علم و دین، عقل و دین، اخلاق و دین، و دین داری و تجدد اصرار می ورزند. حال پرسش اصلی ما این است: هنگام ظهور حضرت ولی عصر (عج) و تشکیل

حکومت مصلح جهانی، این رویکردهای جدید کلامی مقبول می‌افتند یا این که حضرت و حکومت جهانی او به شدت با این رویکردها مقابله و آن‌ها را نقد می‌کنند. روش، در این پژوهش، نقلی - تحلیلی است؛ یعنی پس از تبیین دقیق رویکردهای جدید کلامی به سراغ متون روایی رفته و وضعیت حکومت مصلح را توصیف می‌کنیم. آن گاه پرسش‌های فرعی خود را به روایت‌ها عرضه کرده و بدون تفسیر به رای، پاسخ خود را دریافت می‌کنیم. قابل ذکر است که به دلیل محدودیت حجم تحقیق تنها به پاره‌ای از رویکردهای جدید می‌پردازیم. سکولاریسم ملایم، به محدود ساختن دین در عرصه فردی و نیازهای شخصی قناعت می‌ورزد ولی هر گونه نیاز اجتماعی مانند: سیاست، حکومت، اقتصاد، حقوق، اخلاق اجتماعی، تعلیم و تربیت، مدیریت و... را از دین جدا می‌سازد. اگر این تفکر در جامعه، تحقق عینی پیدا کند، سکولاریزاسیون یا عرفی شدن و دنیوی شدن نیز اتفاق می‌افتد. [۴]. نظریه سکولاریزم و جدا انگاری دین از نیازهای دنیا، با هیچ یک از ساحت‌های اسلام سازگاری ندارد تاریخ اسلام و سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم به شدت با سکولاریزم در تضاد است. قوانین اسلامی در عرصه‌های اقتصاد، حقوق، سیاست، مدیریت، اخلاق، تربیت و غیره نیز نافی این ادعا است. بر همین اساس، حکومت جهانی مصلح نیز، ماهیتی ضد سکولاریستی دارد؛ زیرا قیام امام (ع) همراه با تشکیل حکومت دینی و دولت اسلامی است. امام، نه تنها برای رسیدن به حکومت، جنگ‌های بسیاری را پشت سر می‌گذارد و با قاطعیت تمام رویاروی دشمنان قرار می‌گیرد، در استمرار حکومت نیز اصلاحاتی عمیق از نظر اجتماعی، امنیت و رفاه عمومی، شکوفایی اقتصادی، عدالت قضایی، بهداشت و درمان همگانی و گسترش فرهنگ را طبق اسلام نبوی انجام می‌دهد. خداوند، زمین مرده و پر از ستم را با ظهور مهدی، زنده و پر از عدل و داد می‌کند. [۵] عدالت حضرت در عرصه کشاورزی، اقتصادی، قضایی و... فراگیر است. [۶]. «انه یبْلَغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ تَطَهَّرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمَرُهُ». [۷]. حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌گردد و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر این که آن را آباد خواهد ساخت. «همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) در همین رابطه می‌فرماید: أَبْشُرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَكَّانُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالَ صِيحَابًا، فَقَالَ رَجُلٌ مَا مَعْنَى صِيحَابًا، قَالَ بِالسُّوْيَةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مَحْمَدٍ غِنًى وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يَنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهْ بِالْمَالِ حَاجَةٌ فَلْيَقُمْ، فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ ثُمَّ يَأْمُرُهُ بِالْمَالِ فَيَأْخُذُ ثُمَّ يَنْدُمُ وَ يَرُدُّهُ. شما را به ظهور مهدی (ع) بشارت می‌دهم؛ زمین را پر از عدالت می‌کند همان گونه که از جور و ستم پر شده است؛ ساکنان آسمان‌ها و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروتها را به طور صحیح تقسیم می‌کند. کسی پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت چیست، فرمود: به طور مساوی در میان مردم (سپس فرمود) و دل‌های پیروان محمد (ص) را پر از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد تا آن جا که دستور می‌دهد که منادی با صدای بلند صدا زند؛ هر کسی نیاز مالی دارد. برخیزد و هیچ کس جز یک نفر بر نمی‌خیزد، امام دستور می‌دهد مال قابل ملاحظه‌ای به او بدهند، اما او می‌گیرد و بر می‌گرداند و پشیمان می‌شود. امام صادق (ع) نیز درباره عدالت، برچیده شدن ظلم و رفاه مردم در زمان آن حضرت می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمْنٌ بِالسَّيْلِ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا وَ رُدُّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ (ص) فَحِينَئِذٍ تَطَهَّرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبَدَى بَرَكَاتُهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمئِذٍ مَوْضِعًا لَصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبَرْهٍ لَشَمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ. وقتی که قائم قیام کند، حکومت را بر اساس عدالت قرار می‌دهد و ظلم و جور در دوران او بر چیده می‌شود و جاده‌ها در پرتو وجودش، امن و امان می‌گردد، و زمین برکت‌هایش را خارج می‌سازد و هر حقی به صاحبش می‌رسد، و در میان مردم، همانند داوود و محمد (ص) حکم و داوری می‌کند. در این هنگام زمین گنج‌هایش را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌کند و کسی موردی برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد.» [۸]. تمام این احادیث بر حضور حضرت حجت (عج) در حیات اجتماعی انسان‌ها اعم از امور اقتصادی، سیاسی. مدیریتی و... دلالت دارد؛ به همین دلیل، حکومت مصلح جهانی نافی سکولاریزم

است.

پلورالیسم دینی و حکومت مصلح

پلورالیسم دینی پاسخی جدید به پرسش درباره تنوع و تکثر ادیان و مذاهب و پیروان آن‌ها است. پرسش‌های این حوزه عبارتند از: ۱. آیا همه ادیان موجود در جهان معاصر اعم از آسمانی و زمینی و الهی و بشری، حق اند یا برخی از آن‌ها حق و پاره‌ای دیگر باطلند؟ ۲. آیا معتقدان به ادیان مختلف، اهل نجات و رستگاری اند یا برخی از آن‌ها گرفتار عذاب الهی هستند؟ ۳. معتقدان به ادیان گوناگون، نسبت به یکدیگر چه نوع رفتاری باید داشته باشند؟ پرسش نخست، یک پرسش معرفت‌شناسانه و پرسش دوم، فرجام‌شناسانه و پرسش سوم، اخلاقی و حقوقی است. متکلمان مسلمان و غیرمسلمان در برابر این سه پرسش، سه پاسخ متفاوت داده‌اند که عبارتند از: الف: انحصارگرایی دینی صدق و حقانیت انحصارگرایی دینی صدق بر این باور است که تمام ادیان موجود در جهان معاصر اعم از الهی و بشری بر حق نبوده و تنها یکی از ادیان، حق مطلق و بقیه آنها کاملاً باطل هستند. ب: شمول‌گرایی دینی صدق و حقانیت معنای شمول‌گرایی این است که تمام ادیان موجود، حق مطلق یا باطل محض نیستند؛ تنها یکی از ادیان حق مطلق و بقیه بهره‌ای از حقیقت دارند. ج: کثرت‌گرایی دینی صدق و حقانیت این دیدگاه معتقد است که تمام ادیان موجود، حق مطلق و برابرند و تمایزی از نظر حق و بطلان، در میان ادیان وجود ندارد و نمی‌توان از برتری آن‌ها نسبت به یکدیگر سخن گفت. پرسش دوم؛ یعنی مسأله نجات دین‌داران نیز سه پاسخ را در بردارد. الف: انحصارگرایی دینی نجات و سعادت بر این اساس، تمام متدینان به ادیان گوناگون، اهل نجات و رستگاری نیستند، تنها متدینان به دین حق، سعادت‌مند و اهل نجاتند و همه متدینان به ادیان دیگر، گرفتار عذاب الهی اند؛ زیرا ثواب و عقاب و نجات و عدم نجات، به حق و باطل بودن ادیان بستگی دارد. ب: شمول‌گرایی دینی نجات و سعادت این دیدگاه، تمام متدینان به دین حق را سعادت‌مند و اهل نجات معرفی می‌کند، ولی متدینان به ادیان دیگر را - که بهره‌ای از حقیقت دارند - به همان اندازه سعادت‌مند و رستگار می‌داند. بنابراین، شمول‌گرایی نجات و رستگاری، شمول‌گرایی صدق و حقانیت را در پی دارد. ج: کثرت‌گرایی دینی نجات و سعادت کثرت‌گرایی نجات، همه متدینان به ادیان گوناگون را رستگار و اهل نجات دانسته و عقاب و عذابی برای آن‌ها فرض نمی‌کند؛ زیرا وقتی تمام ادیان الهی و بشری حق باشند، متدینان آن‌ها نیز اهل نجات و رستگاری اند. متکلمان مسلمان، رستگاری و عدم رستگاری را تنها نتیجه حق و بطلان ادیان ندانسته و علم و جهل، عمل و غیرعمل، جهل قصوری و جهل تقصیری را نیز در این امر دخیل می‌دانند. بر این اساس، دین‌دار عالم و عامل به طور قطع سعادت‌مند است، ولی دین‌داری که به حقیقت آگاه است، اما عمل نمی‌کند یا جهل به حقیقت دارد و در جهالت خود مقصر است، اهل نجات و رستگاری نخواهد بود و اما جاهلان قاصر که تلاش کرده ولی به حقیقت نرسیده‌اند و تقصیری در نرسیدن به حقیقت ندارند، به عنوان مستضعفان فکری و «مرجون لامر الله» مورد توجه حق تعالی قرار می‌گیرند. اندیشمندان در باره پرسش سوم؛ یعنی رفتار دین‌داران نسبت به یکدیگر، سه پیشنهاد خشونت، مدارا و تولرانس را مطرح کرده‌اند. [۹]. نظریه کثرت‌گرایی دینی، از نظر ادعا (حق دانستن تمام ادیان) و مبانی و دلایل (تکافوی ادله، گوهر و صدف دین، نمادین و سمبلیک دانستن زبان دین و تجربه دینی) گرفتار نقدهای اساسی است. تبیین و تحلیل هر یک از زیرساخت‌های مذکور، پژوهش مستقلی می‌طلبد و چون غرض از این نوشتار، مقایسه رویکردهای جدید کلامی با حکومت مصلح جهانی است، تنها به اختصار مدعا و مبانی این نظریه را نقد می‌کنیم. ادعای کثرت‌گرایی دینی؛ یعنی حقانیت دانستن تمامی ادیان آسمانی و زمینی و الهی و بشری، مستلزم اجتماع نقیضین است و چون اجتماع نقیضین محال است، پس نمی‌توان تمام ادیان را حق دانست. توضیح قیاس استثنایی پیش گفته این است که اگر تمام ادیان حق باشند، تمام گزاره‌ها و باورهای موجود در ادیان صادق و حقیقت‌مندند. پس گزاره تثلیث در مسیحیت و توحید در اسلام، یا تناسخ در بودا و معاد در اسلام حق است. نتیجه این خواهد شد که خداوند هم سه تا است و هم سه تا نیست، بلکه واحد است، روح

پس از مرگ هم به بدن و جسم دیگری در دنیا بر می‌گردد (تناسخ) و هم بر نمی‌گردد و به عالم برزخ منتقل می‌شود تا وقت قیامت برسد (معاد) و حق دانستن تمام این باورها، مستلزم اجتماع نقیضین است، چون اجتماع نقیضین محال است و محال بودن آن از بدیهیات عقلی و حتی انکارش مستلزم اثباتش است، پس حق دانستن تمام باورهای ادیان محال است. مبانی و زیرساخت‌های کثرت‌گرایی دینی نیز مخدوش است؛ برای نمونه برخی از تکافو و تساوی ادله در ادیان گوناگون، به حقانیت ادیان فتوا داده‌اند؛ در حالی که بر فرض تساوی ادله، هیچ‌گاه نمی‌توان از برابری منطقی دلایل، حقانیت مدعیات را استنتاج کرد، به ویژه در مواردی که حق دانستن مدعیات، مستلزم اجتماع نقیضین باشد. عده‌ای نیز باورهای دینی را به مقدمه و ذی المقدمه تقسیم کرده‌اند؛ (زیرا همه آموزه‌ها و باورهای دینی در یک مرتبه نیستند). آن‌گاه باورهای مقدماتی را صدف و عرضی دین و باورهای ذی المقدمه‌ای را گوهر و ذاتی دین دانسته‌اند و در مقام تعریف گوهر و صدف گفته‌اند: صدف و عرضی دین، موقتی، غیر لازم و تغییرپذیر است، ولی گوهر دین، ثابت، دائمی و ضروری است. [۱۰] مدعیان کثرت‌گرایی دینی با این مقدمه خواسته‌اند به این نتیجه برسند که اختلاف ادیان در باورهای عرضی و صدفی آن‌هاست و گوهر و ذات ادیان یکنواخت است. البته به این که گوهر واحد ادیان چیست، به طور یکسان پاسخ نداده‌اند و تجربه دینی، ایمان دین، بهداشت روان و... را به عنوان مصداق گوهر واحد ادیان بیان کرده‌اند. و با این بیان نتیجه گرفته‌اند که با توجه به وحدت گوهر ادیان می‌توان به حقانیت تمام ادیان یعنی کثرت‌گرایی دینی فتوا داد. لکن این مبنا به لحاظ کبروی و صغروی مخدوش است؛ اشکالات کبروی این مبنا و زیرساخت و دلیل این است که گرچه باورهای دینی در یک مرتبه نیستند و نسبت بین آنها، نسبت میان مقدمه و هدف است، ولی مقدمه بودن پاره‌ای از باورهای دینی نسبت به باورهای دیگر، نسبت مقدمه بودن نردبان برای رفتن به پشت بام نیست، بلکه از باب مقدمه بودن علوم متوسطه نسبت به دوره تحصیلات تکمیلی است. توضیح این که: برخی از مقدمات، مقدمه حدوث اند نه بقا و پاره دیگری از مقدمات، مقدمه حدوث و بقا هستند؛ نردبان، مقدمه رفتن به پشت بام است ولی مقدمه ماندن در پشت بام نیست، ولی علوم متوسطه، مقدمه رفتن، ماندن و عبور کردن از دروس تکمیلی است. باورهای دینی مقدماتی مانند: نماز خواندن، روزه گرفتن و صدقه دادن نسبت به تقوا و سعادت آدمی، مقدمه حدوث و بقایند، نسبت به تقوا و سعادت آدمی، مقدمه حدوث و بقایند و آن‌ها در مقدمه بودن نیز بدیل ناپذیرند؛ بنابراین نمی‌توان اعمال و مناسک را صدف و عرضی دین معرفی کرد و وصف تغییرپذیری و موقتی و غیرلزوم را به آن‌ها نسبت داد. اشکالات صغروی این زیرساخت این است که اگر گوهر ادیان متعدد شود؛ یعنی تجربه دینی، ایمان دینی، بهداشت روان و... به عنوان گوهر ادیان شناخته شود حقانیت ادیان و مدعای کثرت‌گرایی دینی اثبات نمی‌شود؛ زیرا شرط اثبات کثرت‌گرایی دینی، وحدت گوهر ادیان است. بر فرض این که گوهر تمام ادیان، تجربه دینی باشد، آیا تجربه دینی در تمام ادیان، حقیقت واحدی است؟ پاسخ منفی است؛ زیرا تجربه دینی به معنای احساس معنوی، به متعلق محتاج است؛ همچنان که تجربه حسی، متعلق دارد و چون متعلق تجربه دینی در ادیان آسمانی و زمینی متفاوت است (و واقعاً تفاوت وجودی میان الله، یهوه، پدر، نیروانا و غیره وجود دارد)، پس نمی‌توان تجربه دینی همه ادیان را یکسان معرفی کرد؛ در نتیجه، کثرت‌گرایی دینی اثبات نمی‌شود. نمادین و سمبلیک دانستن زبان دین نیز مورد پذیرش نیست؛ زیرا زبان دین، ظهور در شناختاری بودن دارد و آشنایان به زبان قرآن می‌دانند که زبان دین اسلام نمی‌تواند سمبلیک و نمادین باشد. علاوه بر نقد مبانی و دلایل، اصل ادعای حقانیت تمام ادیانی که از مدعیات متناقض و متضاد برخوردارند، نیز مستلزم اجتماع نقیضین است. حکومت جهانی مصلح با پلورالیسم دینی در چالش است! زیرا حکومت امام مهدی (ع) مصداق بارز آیه شریفه «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» است که در تفسیر آن آمده است «یظهره علی جمیع الادیان عند قیام القائم». [۱۱]. پیامبر اسلام نیز در حدیث قدسی از حق تعالی چنین روایت می‌کند: «حَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أُظْهِرَ دِينَكَ عَلَى الْاِدْيَانِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي شَرْقِ الْاَرْضِ وَغَرْبِهَا دِينَ إِلَّا دِينَكَ؛ بر من است که دین تو؛ یعنی اسلام را بر سایر ادیان غلبه دهم تا در شرق و غرب عالم، دینی جز دین تو باقی نماند». در روایت آمده است: «چون مهدی قیام کند، جزیه برداشته شود و غیرمسلمانی نماند.» امام باقر (ع) نیز فرموده

است: «توتون الحکمه فی زمانه حتی ان المراه لتقضی فی بیتها بکتاب اللّٰه و سنه رسوله [۱۲]. حکمت در زمان مهدی (ع) به گونه ای ارزانی می گردد که حتی زن در کانون خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش داوری می کند». حضرت امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «ویهلک الاشرار و بقی الاخیار ولا یبقی من یبغض اهل البیت [۱۳]. شرارت پیشگان از بین می روند و نیکان باقی می مانند و کینه توزان نسبت به اهل بیت باقی نخواهند ماند.» «ولا تترك بدعه الازالها ولا سنه الاقامها [۱۴]. همه بدعت ها از بین می رود و همه سنت ها جدی می شود.» مفضل از امام صادق (ع) نقل می کند: «فو اللّٰه یا مفضل لیرفع عن الملل والادیان الاختلاف و یکون الدین کله واحداً کما قال اللّٰه عزوجل: ان الدین عنداللّٰه الاسلام؛ به خدا سوگند ای مفضل، اختلاف از میان ادیان برداشته می شود و همه به صورت یک آیین در می آید، همان گونه که خداوند عزوجل می گوید: دین در نزد خدا تنها اسلام است.» [۱۵] امام باقر (ع) نیز در این باره می فرماید: «ان ذلک یکون عند خروج المهدی من آل محمد فلا یبقی احد الا اقر بمحمد (ص)؛ این پیروزی به هنگام قیام مهدی از آل محمد (ص) خواهد بود، آنچنان که هیچ کس در جهان باقی نمی ماند مگر اینکه اقرار به محمد (ص) خواهد کرد.» [۱۶]. مقداد بن اسود از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل می کند: «سمعت رسول اللّٰه (ص) یقول لایبقی علی ظهر الارض بیت مَیْدَر ولاوبر الا ادخله اللّٰه کلمه الاسلام؛ بر سراسر روی زمین خانه ای از خشت و گل و خیمه ای باقی نمی ماند مگر اینکه آیین اسلام در آن وارد خواهد شد.» [۱۷]. امیر مؤمنان در تفسیر آیه (هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق) فرمود: «کلا، فوالذی نفسی بیده حتی لایبقی قریه الاوینادی فیها بشهاده ان لا اله الا اللّٰه بکره و عشیاً؛ نه، سوگند به کسی که جانم به دست او است این پیروزی آشکار نمی شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند مگر این که صبح و شام بانگ لا اله الا اللّٰه از آن به گوش می رسد.» [۱۸]. قال الصادق (ع): ان لنا دوله یجیء اللّٰه بها اذا شاء ثم قال من شیر ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو منتظر. [۱۹] اذ اقام القائم المهدی لایبقی ارض الا تُودی فیها بشهاده ان لا اله الا اللّٰه و ان محمداً رسول اللّٰه؛ وقتی حضرت قائم (ع) قیام نماید، زمینی باقی نمی ماند مگر آنکه در آن ندا می شود به شهادت لا اله الا اللّٰه و محمداً رسول اللّٰه [۲۰]. «فیریکم کیف عدل السیره و یحی میت الکتاب والسنه؛ سیره و روش دادگرانه را نشان خواهد داد و آن چه از کتاب و سنت مرده باشد، زنده خواهد کرد.» [۲۱]. نعیم بن حماد از علی (ع) و عایشه، از پیامبر نقل می کند: «المهدی رجل من عترتی، یقاتل علی سنتی کما قاتلت انا علی الوحی [۲۲]. مهدی، مردی از خاندان من است او بر طبق سنت من [با مخالفان] می جنگد چنان که من بر طبق وحی می جنگیدم.» قال رسول اللّٰه (ص): «منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه؛ از نسل ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند.» [۲۳]. تمامی این احادیث به دلالت مطابقی، بر نفی پلورالیسم دینی و حقانیت همه ادیان محقق، حکم می کنند و تنها بر حقانیت انحصاری تمام گزاره های اسلام و حاکمیت و تسلط آن بر هستی دلالت دارند.

تساهل و تسامح و حکومت مصلح

تساهل و تسامح در اصطلاح به معنای عدم مداخله و ممانعت یا اجازه دادن از روی قصد و آگاهی، نسبت به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند شخص نباشد. بنابراین عناصر تolerانس عبارتند از: ۱. تنوع و اختلاف عقاید و اعمال؛ ۲. ناخشنودی و نارضایتی؛ ۳. آگاهی و قصد؛ ۴. قدرت و توانایی بر مداخله؛ ۵. عدم مداخله و یا اجازه دادن [۲۴]. سیرت خُلقی مصلح جهانی همراه با حشمت، سکینه و وقار است، ولی نسبت به کارگزاران و مأموران دولت خویش بسیار سخت گیر است و با ناتوانان و مستمندان، بسیار دل رحم و مهربان. در روایت آمده است: «علامه المهدی ان یکون شدیداً علی العُمّال، جواداً بالمّال، رَحِماً بالمساکین.» [۲۵] مهدی (ع) حق هر حق داری را بگیرد و به او دهد، حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون کشد، و به صاحب حق باز گرداند. او مردم را با شمشیر به دین خدا دعوت کند، هر کس نپذیرد، گردن زند و هر کس که سرکشی کند، خرد سازد. کاخ ها را ویران سازد و ارتش های مستکبر را از دم تیغ بگذرانند. ظلمه و اعوان ظلمه را بی

دریغ بکشد تا خدا راضی و خشنود شود. مهدی، مانع الزکاه را بکشد، زانی محصن را نیز بدون طلب شاهد رجم کند. [۲۶] همچنین زراره بن اعین گوید: «از امام محمد باقر (ع) پرسیدم: آیا قائم، با مردمان، مانند پیامبر (ع) رفتار کند؟ فرمود: هیئات و هیئات! پیامبر به ملایمت با مردم رفتار می کرد و می کوشید تا با محبت، مردم را به دین، جلب کند و تألیف قلوب نماید. قائم با شمشیر و قتل با مردم روبرو شود. خدا به او این گونه امر کرده است که بکشد و توبه ای از کسی نپذیرد. وای به حال کسی که با مهدی بر سر ستیز در آید.» [۲۷]. مهدی (ع) تمامی بدعت ها را نابود می سازد و همه سنت ها و شیوه های پسندیده را زنده و بر پا می دارد. شیوه پیامبر در قضاوت بر اساس شواهد و دلایل و سوگندها بوده است. [۲۸] در حالی که امام صادق (ع) می فرماید: «بينا الرجل علی را س القائم (ع) یا امر وینهی اذا امر [الامام] بضرب عنقه فلا یبقی بین الخافقین شی الاخافه». گاه فردی در کنار مهدی (ع) ایستاده و سخن می گوید که آن حضرت دستور می دهد گردنش را (به خاطر جنایت مخفیانه) بزنید و آن گاه در شرق و غرب جنایت کاری باقی نمی ماند مگر از آن پیشوای عدالت گستر و آگاه حساب می برد. [۲۹]. قال مفضل بن عمر: «قلت لابی عبدالله (ع) ما علامه القائم؟ قال، اذا استدار الفلک، فقیل: مات او هلک؟ فی ای واد سلک؟ قلت: جعلت فداک ثم یكون ماذا؟ قال: لا یظهر الا بالسيف؛ مفضل بن عمر گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: نشانه قائم چیست؟ فرمود: آن گاه که روزگار گردش کند و گویند: او مرده یا هلاک شده؟ در کدامیک سرزمین به سر می برد؟ عرض کردم: فدایت شوم، سپس چه خواهد شد؟ فرمود: ظهور نمی کند مگر با شمشیر». [۳۰]. «اذا قام قائم آل محمد (ص) ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالَهُ؛ در زمانی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، خیمه هایی بر پا کرده تا به مردم قرآن را آن گونه که خدای پاک ساحت نازل فرموده تعلیم کند.» [۳۱]. از احادیثی که در بالا آورده شد نتیجه می گیریم که تولرانس و تساهل و تسامح در حکومت مصلح منتفی است، هر چند که رفتار امام مهدی (ع) رحیمانه، مهربان و همراه با تواضع، وقار و سکینه است. ولی تولرانس - به معنای اصطلاحی آن - پذیرفتنی نیست.

قرائت های مختلف از دین و حکومت مصلح

نظریه قرائت های مختلف از دین، یکی از رویکردهای جدید در حوزه تفسیر متون دینی است. پرسش اساسی که از روزگاران قدیم، ذهن مفسران و فیلسوفان را به خود مشغول ساخته، این نکته اساسی است که چرا از متن واحد، برداشت های گوناگون پدید می آید و آیا این اختلاف ها زوددنی هستند یا نازدودنی؟ اندیشمندان در برابر این پرسش، دو رویکرد مؤلف محوری و مفسر محوری را مطرح کرده اند؛ مؤلف محوران بر این عقیده اند: ۱- اختلاف فهم و برداشت از متون دینی به صورت موجه جزئی است؛ زیرا فهم های ثابت از دین نیز وجود دارد. ۲. با فرض پذیرش اختلاف فهم، می توان با وجود معیار فهم، صحیح از سقیم و سره از ناسره را سنجید. ۳. مفسر باید تلاش کند تا به مقصود شارع مقدس نایل آید و این هدف با رعایت قواعد و ضوابط و شرایط فهم میسر است. بنابراین هر فهم و تفسیری حجیت ندارد. مفسر محوران نیز بر این باورند: تفسیر، عملیاتی جهت کشف مراد شارع مقدس نیست؛ بلکه تنها بازی ای معنایی است که از تلاقی افق معنایی متن با افق معنایی مفسر پدید می آید. در نتیجه در هر تفسیری، انتظارات، خواسته ها و پیش دانسته های مفسر بر فهم متون دینی اثر می گذارد، و معیار، ضابطه و قاعده ای برای فهم ها وجود ندارد و اصولاً همه تفسیرها صحیح بوده و حجیت دارند. خلاصه آن که هر گونه برداشتی از دین می تواند متعلق عقیده و عمل قرار گیرد. نظریه قرائت های مختلف از دین، همان رویکرد مفسر محوری است که پاره ای از روشنفکران مسلمان از فیلسوفان غربی مانند: گادامر، ریکور و دریرا به عاریه گرفته اند. [۳۲]. حال که نظریه قرائت پذیری دین، تبیین شد، این پرسش پیش می آید که آیا حکومت مصلح، پذیرای آن است یا با این نظریه در تقابل می باشد؟ عبدالله بن عطار از امام صادق (ع) پرسید: روش و سیره مهدی چگونه است؟ امام فرمود: «یصنع ما صنع رسول الله (ص) یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله (ص) امر الجاهلیه ویستأنف

الاسلام جدیداً؛ همان کاری را که رسول خدا انجام داد، انجام می دهد، برنامه های نادرست پیشین را ویران می سازد؛ همان گونه که رسول خدا اعمال جاهلیت را ویران ساخت، و اسلام را نوسازی می کند. پیامبر اسلام (ص) نیز می فرماید: «القائم من ولدی؛ اشمه اِسْمِي وَكُنِيَّتُهُ كُنِيَّتِي وَشَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَسَيِّئَتُهُ سَيِّئَاتِي يَقِيمُ النَّاسَ عَلَى طَاعَتِي وَشَرِيْعَتِي وَيَدْعُوهُمْ اِلَى كِتَابِ رَبِّي؛ قائم از فرزندان من است. نام او، نام من و کنیه اش، کنیه من و قیافه اش، قیافه من و روشش، روش من است. مردم را به پیروی من و آیین من و امی دارد و آن ها را به کتاب پروردگارم دعوت می کند.» [۳۳]. قال رسول الله (ص): «وَإِنَّ الثَّانِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى وَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي بِزَمَنٍ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ بِهِ وَيُجَدِّدُهُ؛ دوازدهمین فرزندم از نظرها پنهان می گردد و دیده نیم شود و زمانی بر پیروان من خواهد آمد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نماند. در این هنگام، خداوند بزرگ به او اجازه خروج می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند.» [۳۴]. گر چه روایت های مذکور به صراحت در باره مفسر محوری و قرائت پذیری دین سخن نگفته اند، ولی این مدلول قابل استفاده است که هر برداشتی از اسلام در حکومت مصلح پذیرفتنی نیست و اصولاً غایت ظهور مصلح به احیای اسلام ناب محمدی (ص) است، زیرا در عصر غیبت، قرآن و نام اسلام از بین نرفته است؛ آن چه گرفتار تحریف شده، تفسیر صحیح اسلام است که توسط امام مهدی (ع) احیا می گردد و این مطلب نافی نظریه قرائت پذیری دین است.

تعارض علم و دین و حکومت مصلح

تعارض علم و دین، رویکرد جدید دیگری در باب ترابط علم و دین است که پاره ای از اندیشمندان بدان رو آورده اند و مدل های گوناگون تعارض گزاره های دینی با گزاره های علمی، تعارض پیش فرض های علم با پیش فرض های دین، تعارض پیامدهای علم با پیامدهای دین، و تعارض روحیه علمی با روحیه دینی را مطرح ساخته اند. در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر از اندیشمندان غربی و اسلامی به جداانگاری قلمرو علم و دین یا سازگاری و توافق علم و دین و یا تداخل علم و دین فتوا داده اند. دانشمندان غربی مانند گالیه، کانت، استیس، پوزیتویست ها، فیلسوفان تحلیل زبانی، اگزیستانسیالیست ها و غیره برای حل تعارض علم و دین چاره های خاصی را اندیشیده اند. حال ببینیم آیا در عصر مصلح جهانی، علم و تکنولوژی با اسلام در تعارض است یا در تعاون؟ امام باقر (ع) می فرماید: «اذا قام قائمنا وضع يده على روس العباد، فجمع بها عقولهم و كملت بها احلامهم؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقل های آن ها را با آن کامل کرده و افکارشان را پرورش داده و تکمیل می کند.» [۳۵]. امام صادق (ع) نیز می فرماید: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِيَسْمَعْتَنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَابْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ [۳۶]. هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن ها و قائم، نامه رسان نخواهد بود، با آن ها سخن می گوید و سخنش را می شنوند و او را می بینند در حالی که او در مکان خویش است. در همین باره، امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَلِكَ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ؛ مؤمن در زمان قائم، در حالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می بیند. همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می بیند.» [۳۷]. و امام باقر (ع): «ذُخِرَ لَصَاحِبِكُمْ الصَّعْبُ. قُلْتُ مَا الصَّعْبُ؟ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَصَاعِقَةٌ أَوْ بَرَقٌ فَصَاحِبِكُمْ يَرُكُّهُ، أَمَا أَنَّهُ سِيرُكَبِ السَّحَابِ وَبِرْقِي فِي الْأَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ؛ برای صاحب و سرور شما حضرت مهدی (ع) آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی می گوید: گفتم وسیله سرکش چیست؟ امام فرمود: ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می شود، به آسمان ها و زمین های هفتگانه صعود می کند.» [۳۸]. و امام صادق (ع): «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا حَرَّاتُ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ

الخَمْسَه والعشرين حرفاً فَيَبِّئُهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبِّئُهَا سَبْعَهُ وَعَشْرِينَ حَرْفًا؛ دانش بیست و هفت حرف است. تمام آن چه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف نشناخته اند، ولی هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف و شاخه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می کند تا بیست و هفت حرف، کامل، منتشر گردد.» [۳۹]. این روایت، بر پیشرفت دانش و تکنولوژی و نیز تکامل خردمندی، در حکومت مصلح (ع) دلالت دارند، ولی نمی توان از این امر، این گونه استفاده کرد که تمام دستاوردهای علوم تجربی، صنعت و تکنولوژی در عصر حاضر، با حکومت مصلح جهانی سازگار است. به ویژه با تعارضی که میان پاره ای از دستاوردهای علوم انسانی و برخی صنایع با اسلام مشهود است.

پاورقی

- [۱] محمد مجتهد شبستری، هرمنوتیک کتاب و سنت، ص ۱۶۸ - ۱۷۰.
- [۲] ر.ک: عبدالکریم سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، ص ۷۸ - ۷۹؛ مصطفی ملکیان، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۲، ص؛ استاد جعفر سبحانی، مدخل مسایل جدید در علم کلام، ص ۱۰.
- [۳] نگارنده، کلام جدید، ص ۱۱.
- [۴] منبع: فرهنگ و دین، فصل جدا انگاری دین و دنیا، ص ۱۲۴ - ۱۲۵، ویراسته بهاء الدین خرمشاهی، البطاس، اسلام و دنیوی گری، احمد اکرام، ص ۱۷ - ۲۴.
- [۵] کمال الدین، ص ۶۹۸.
- [۶] اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۹۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۸۶.
- [۷] اسعاف الراغبین، باب دوم، ص ۱۴۰؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۲؛ نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۵۶.
- [۸] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
- [۹] ر.ک. به جان هیک مباحث پلورالیسم دینی ترجمه عبدالرحیم گواهی انتشارات تبیان. و جان هیک، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات تبیان.]
- [۱۰] عبدالکریم سروش، بسط تجربه نبوی، ص ۲۹ - ۳۰.
- [۱۱] بحار الانوار، ج ۲۴، ح ۵۹، ص ۳۳۶.
- [۱۲] الغیبه، نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۸، حدیث ۳۰.
- [۱۳] عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۵۹.
- [۱۴] معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۱۲۴.
- [۱۵] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.
- [۱۶] تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۲۱.
- [۱۷] مجمع البیان، ذیل آیه ۳۳، توبه.
- [۱۸] مجمع البیان، ذیل آیه ۹، سوره صف.
- [۱۹] منتخب الاثر، ف ۱، ب ۲، ح ۹.
- [۲۰] منتخب الاثر، ف ۲، ب ۳۵، ح ۳.
- [۲۱] منتخب الاثر.

[۲۲] منتخب الاثر، باب ۲، ح ۲۱، ص ۹۵.

[۲۳] منتخب الاثر، باب ۱، ح ۱، ص ۱۵۸.

[۲۴] Susan.

[۲۵] خورشید مغرب، ص ۳۰.

[۲۶] خورشید مغرب، ص ۳۱.

[۲۷] الغیبه، نعمانی، باب ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

[۲۸] کافی، ج ۷، ص ۱۱۴.

[۲۹] الغیبه، نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۹، ح ۳۳.

[۳۰] الغیبه، محمد نعمانی.

[۳۱] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۶.

[۳۲] عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید، گفتار ۷، ص ۱۴۹ - ۱۵۷.

[۳۳] اثبات الهداه.

[۳۴] منتخب الاثر، ص ۹۸.

[۳۵] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

[۳۶] روضه کافی، به نقل از منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

[۳۷] منتخب الاثر، ص ۴۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

[۳۸] بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

[۳۹] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

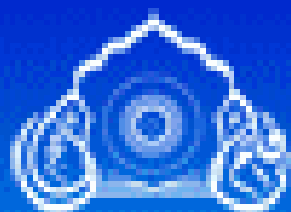
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

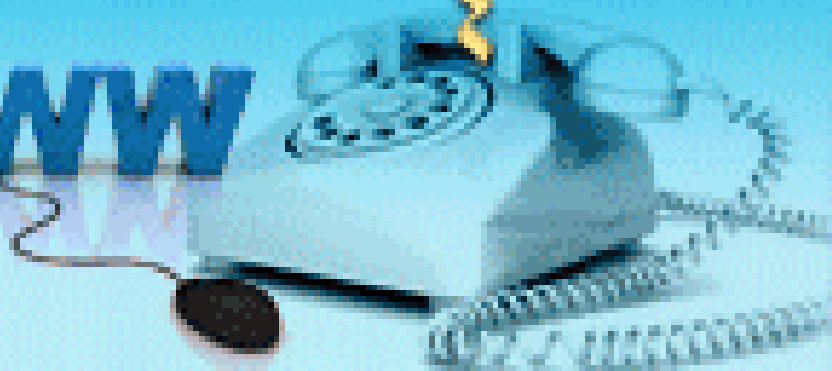


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

